

تحریم و نقض حقوق بشر از منظر حقوق بین‌الملل

با تأکید بر تحریم‌های یکجانبه علیه ایران

سلمان شایان فر^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

چکیده:

شورای امنیت بعد از جنگ سرد با استناد به فصل هفتم منشور به نحو گسترده‌ای از ابزار تحریم استفاده کرده است. پیامدهای حاصل از اعمال تحریم در کشورهای هدف نشان می‌دهد بیشترین آسیب این اقدام بر مردم تحمیل شده و موازین حقوق بشر نقض شده است. تحریم در روابط بین‌الملل ابزاری برای تغییر رفتار و یا سیاست نامطلوب دولت است. نقض حقوق بشر یا قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل از جمله خطوط قرمزی است که با اعمال تحریم از این شاکله‌ها عبور و اعتبار حقوقی تحریم مخدوش می‌شود و چه بسا آثار توسل به تحریم مصداقی از ارتکاب تخلف بین‌المللی تلقی شود. در این مقاله درصددیم تا ضمن تأملی در آثار و تبعات تحریم یکجانبه علیه ایران، نتایج و آثار آن را واکاوی نموده و با توجه به اقسام تحریم‌ها به امکان و امتناع نقض حقوق بشر از رهگذر ارتکاب تحریم‌های یکجانبه خواهیم پرداخت. رفتار خصمانه ایالات متحده آمریکا علیه ایران از ابتدای انقلاب تاکنون ادامه دارد. تحریم‌های دسته‌جمعی که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه برخی کشورها وضع می‌شوند و تحریم‌های یک جانبه علیه دیگر کشورها، آثار تخریبی بسیاری بر حقوق بشر دارند. وضع چنین تحریم‌هایی به لحاظ نقض معاهدات تخطی از حدود صلاحیت و اختیارات قانونی این شورا بوده و فاقد اعتبار است و به لحاظ تخلف شورای امنیت از تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر، موجبات مسئولیت بین‌المللی این شورا و به تبع آن سازمان ملل را فراهم می‌نماید.

واژگان اصلی: تحریم، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، شورا و تحریم‌های یکجانبه علیه ایران.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
mr.shayanfar@gmail.com

مقدمه

تحریم‌ها موضوعی در حقوق بین‌الملل عمومی است که افراد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با آن ارتباط می‌یابند. از سالیان دور کشورهای بزرگ و به لحاظ اقتصادی قدرتمند، از تحریم اقتصادی به عنوان ابزار فشاری برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود استفاده کرده‌اند. تحریم با ایجاد جامعه ملل و بعد از آن با تشکیل سازمان ملل متحد اهمیت یافت و بین سال‌های ۱۳۲۹ (۱۹۴۰) تا سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰) با میانگین سالانه بیشتر از یک مورد تحمیل شد که بیشتر این تحریم‌ها تنها توسط ایالات متحده آمریکا اعمال شده است.

تحریم‌ها در بسیاری از موارد سبب نقض حقوق دیگران شده است. وضع و اعمال این‌گونه تحریم‌ها موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی نهاد واضع است. تحقق اهداف در هر سازمان متضمن تبعیه ارکان و فرایندهایی است که کارآیی و اثربخشی آن سازمان را بهبود بخشد. در سازمان ملل متحد که بنیان آن بر خرابه‌های ناشی از جنگ جهانی دوم بنا شده است، تنها رکن دارای اقتدار و ضمانت اجرا «شورای امنیت» است؛ شورایی که به دلیل ساختار ناعادلانه و وجود حق وتو، روح حاکم بر تصمیمات آن بیش از هر چیز دیگر بر مدار منافع و تمایلات سیاسی اعضای دائم آن می‌چرخد.

اگرچه تحریم و محاصره اقتصادی بیشتر معطوف به سیاست جهانی معاصر است، اما در چشم‌انداز کلی، تحریم شامل هر عمل منفی یا پاسخ به عمل یا کنش در چهارچوب اهداف تحریم است. تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ از این رو آمریکا برای پیشبرد سیاست خارجی خود به طور روزافزون به تحریم اقتصادی متوسل می‌شود. دولت‌ها که از خسارات و لطمات دو جنگ جهانی به ستوه آمده بودند، از روی ناچاری و به امید رهایی از آتش جنگ، به این ساختار تبعیض آمیز تن دادند و مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت سپردند. در منشور شورا برای تضمین صلح و امنیت بین‌المللی، ابزارهایی پیش‌بینی شد که از مهمترین آنها تحریم اقتصادی است. تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای ارتقای منافع سیاست خارجی یک کشور، در میان طیفی قرار می‌گیرد که در یک سوی آن خشن‌ترین اقدامات قهرآمیز از جمله تهدید و توسل به نیروی نظامی و اقدامات مخفیانه است و در سوی دیگر آن تدابیر دیپلماتیک، اخراج دیپلمات‌ها و به تعلیق درآوردن مبادلات فرهنگی است. (ظریف و میرزایی، ۱۳۶۶: ۹۲).

با پایان جنگ سرد شورای امنیت در موارد متعددی از این ابزار استفاده نمود. از تحریم‌ها در ابتدا

به عنوان روشی که فاقد هزینه زیاد و تبعات و ویرانی‌های حاصل از درگیری نظامی بود، تمجید می‌شد، اما به تدریج پیامدهای زیان‌بار آن بر موازین حقوق بشر و زندگی مردم عادی - غیرنظامی - کشورهای هدف تحریم نمایان شد. نقض حقوق بشر در تحریم‌ها، انتقادات زیادی را از سوی افراد، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به دنبال داشت و در زمینه عدم مشروعیت آن از منظر مقررات بین‌المللی مباحث زیادی مطرح شد. طرح پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت و صدور قطعنامه‌های تحریمی علیه حاکمیت ایران که در عمل بیشترین تأثیر منفی را بر زندگی و حق برخورداری مردم ایران از حقوق بشر داشت و نیز خسارت‌های زیادی که به افراد، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تحمیل شد، مدعای روشنی برای نقض حقوق بشری، زیان‌بار بودن و یکجانبه‌گرایی شورا و اقدامات اوست.

در این نوشتار تلاش می‌شود پاسخی مستند و مستدل برای سئوالاتی همچون بررسی موضوع تحریم، نقض حقوق بشر از منظر حقوق بین‌الملل و مشروعیت تحریم‌ها به جهت نقض حقوق بشر با توجه به مصادیق و نیز تحریم‌های یکجانبه علیه ایران پاسخ داده شود.

چارچوب نظری پژوهش:

تحریم‌های یک جانبه در دو مورد منشور ملل متحد را نقض می‌کنند. طبق بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد، اصل همکاری بین دولت‌ها در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و بشردوستانه است، از مقاصد ملل متحد محسوب می‌گردد. اقدامات یک جانبه، تنها در صورتی برای جامعه بین‌المللی قابل پذیرش هستند که در چهارچوب شرایط مقبول همگان اجرا شوند، در غیر این صورت کل سیستم بین‌المللی ایجاد شده پس از جنگ دوم جهانی و نظم مبتنی بر منشور ملل متحد که «همکاری» یکی از اصول مورد تأیید آن است، پنداری خام و تهدیدی برای نهادهای مدعی است. تحریم یک جانبه به خصوص تحریم‌های ثانویه یا فراسرزمینی ناقض اصل همکاری بین کشورها است؛ چرا که «بر اساس اصل کلی همکاری که یکی از بنیادهای نظم حقوقی مبتنی بر منشور ملل متحد است، هیچ کشوری نمی‌تواند اقدام یک جانبه را ابزاری برای تاخت و تاز علیه حاکمیت سایر دولت‌ها قرار دهد.» (نادر، ۱۳۸۷: ۶۶۲) مورد دیگر اصل عدم مداخله است. شارل روسو در تعریف مداخله آورده است: «مداخله، کار کشوری است که در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر نفوذ می‌کند تا آن کشور را به انجام دادن یا ندادن عملی وادار کند. کشور مداخله‌کننده از موضع قدرت عمل می‌کند و در پی آن است که اراده خود را با اعمال فشار (سیاسی، اقتصادی، روانی، نظامی و ...) [به

دیگری] تحمیل کند» (Rousseau, 1979: 453) فشار اقتصادی حتی در صورت فقدان قواعد خاص، نباید از یک سری حدود تجاوز کند و حداقل نباید اصل عرفی عدم مداخله را نقض کند. «به هر حال مشکل است که بین منافع شخصی اقتصادی قانونی یک دولت و فشار غیرقانونی که به کشور دیگر وارد می‌کند، خط مشخصی ترسیم کنیم. اما این فشار غیرقانونی ممکن است اصل عدم مداخله را نقض کند» (Rousseau, 1979: 453) برابری حقوقی دولت‌ها یک قاعده آمره در حقوق بین‌الملل است که بر اساس هیچ دولت و یا کشوری نمی‌تواند با تکیه بر قوانین داخلی خود، در امور دیگر کشورها دخالت نماید و یا استقلال و تمامیت ارضی آنها را به مخاطره انداخته و مخدوش سازد؛ بدیهی است همین قاعده را می‌توان یکی از دلایل مهم عدم مشروعیت تحریم‌های فراسرزمینی دانسته و نامشروع بودن تحریم‌ها را توجیه‌پذیر کرد.

وضع قانون فراسرزمینی داماتوی کندی (۱۹۹۶) و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (سال ۲۰۰۰) توسط ایالات متحده آمریکا، هرگونه صادرات مواد و فناوری و تجهیزات قابل مصرف در تولید و توسعه تسلیحات به ایران را ممنوع کرد و متخلفین از آن مقررات با هر تابعیتی و در هر کجا که قرارداد بسته باشند، را از هرگونه تجارت با آمریکا و اتباع و شرکت‌های آن محروم ساخت و عملاً حقوق بیگانگان در قلمرو ایالات متحده را نیز از آنان سلب نمود. البته اتحادیه اروپا همان زمان مخالفت خود را با اجرای این‌گونه قوانین فراسرزمینی با تصویب قطعنامه ای در پارلمان اروپا در ۲۵ اکتبر ۱۹۹۶ ابراز نمود. کشورها و سازمان‌های بین‌المللی متعددی نیز با این قوانین همراهی نکرده‌اند. جهان باید در مسیری حرکت کند که با وضع قانون جدید اجرای قانون داخلی کشورها در ماورای مرزهایشان متوقف شود. در غیر این صورت این اقدامات قهری به نوعی ناقض قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشند. در بند ۲ این قطعنامه تأکید شده است که برجام به ارتقا و تسهیل توسعه تماس‌ها و روابط عادی اقتصادی و تجاری و همکاری با ایران منجر می‌شود و به حقوق و وظایف کشورها در رابطه با تجارت بین‌المللی احترام می‌گذارد. این قطعنامه از کشورهای عضو سازمان ملل متحد می‌خواهد برجام را تأیید و حمایت نمایند و از اقداماتی که اجرای تعهدات بر اساس برجام را تضعیف می‌کند، خودداری کنند. (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۶: ۹۵)

آمریکا با خروج یک جانبه خود از برجام در ۸ می ۲۰۱۸ و بازگرداندن همه تحریم‌های اقتصادی که توسط برجام تعلیق یا متوقف شده بود، ۱۸ قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت را نقض نمود. بدین‌سان عمل آمریکا ناقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد؛ چرا که بر اساس ماده ۲۵ منشور

سازمان ملل متحد کشورهای عضو موظف هستند تصمیمات شورای امنیت را بپذیرند و اجرا نمایند. دولت جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ تیر ۱۳۹۷ با این ادعا که بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکا که در پی خروج این دولت از برجام انجام شد، عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و کنسولی میان دو دولت (۱۹۵۵) را نقض کرده است، دادخواستی علیه این کشور در دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رسانید و همزمان از دیوان درخواست نمود تا دستور موقتی مبنی بر توقف و تعلیق فوری تحریم‌ها از جمله تحریم‌های فراسرزیمینی و منع آمریکا از اعمال تحریم‌های بیشتر صادر نماید. دیوان پس از استماع استدلال‌ها و دفاعیات طرف‌های اختلاف، به اغلب درخواست‌های ایران به اتفاق آراء پاسخ مثبت داد و حتی قاضی «چارلز براور» که قاضی اختصاصی آمریکا در این پرونده بود، با دستور موقت موافقت نمود.

قسمت اجرایی دستور موقت سه بند دارد که دو بند آن تعهداتی برای آمریکا و یک بند تعهداتی برای هر دو طرف اختلاف ایجاد می‌کند. در بند نخست آمریکا ملزم شده بود در اجرای تعهداتش در معاهده مودت، کلیه موانع ناشی از تدابیر اتخاذ شده در ۸ مه ۲۰۱۸ در خصوص صادرات آزاد به ایران را در خصوص اقلامی چون: دارو، لوازم پزشکی و بهداشتی، محصولات کشاورزی و غذایی، قطعات یدکی، تجهیزات و خدمات مرتبط از جمله: بازدید و ارائه خدمات نگهداری، تعمیر و گارانتی که برای ایمنی هواپیمایی کشوری ضروری است؛ برطرف نماید؛ همچنین آمریکا باید مطابق بند دوم تضمین کند که کلیه مجوزهای ضروری صادر خواهد شد و پرداخت‌ها و انتقال وجوهی که مربوط به کالاها و خدمات مذکور در بند نخست هستند، مشمول هیچ محدودیتی نخواهند شد. در بند سوم دستور موقت نیز طرفین از هرگونه اقدامی که ممکن است اختلاف مطروح نزد دیوان را تشدید کند یا گسترش دهد یا حل و فصل آن را مشکل سازد، منع شده‌اند. (نادر، ۱۳۸۷: ۶۶۲)

آمریکا پس از صدور این دستور موقت از عهدنامه مودت خارج شد. تا به زعم خود منشأ معاهداتی تعهدات و مسئولیت بین‌المللی خود در قبال ایران را حذف نماید؛ اما خروج از این عهدنامه تأثیری بر دعوای مطروح نخواهد داشت و اقدام به خروج، عطف بما سبق نمی‌شود، زیرا الزام و تعهد به اجرای دستور موقت، ناشی از خود دستور و اساسنامه دیوان است و مستلزم اعتبار عهدنامه نیست. به علاوه حتی پس از خاتمه عهدنامه مودت، هریک از طرفین می‌تواند دعوای ای که منشأ و سبب ادعای آنها در زمان لازم الاجرا بودن عهدنامه ایجاد شده است، در دیوان مطرح نمایند. (زمانی، ۱۳۹۷: ۲۵)

مفهوم‌شناسی تحریم:

«تحریم» به معنای «حرام کردن» و «ناروا داشتن» است. (معین، ۱۳۷۱: ۱۲۷؛ عمید، ۱۳۹۰: ۳۳۹). در سیاست و حقوق بین‌الملل، اصطلاحی نسبتاً جدید است که به نظر می‌رسد از متون فقه اسلامی و ادبیات سیاسی و حقوقی راه یافته و بر مصادیقی فراتر از مسائل شرعی اطلاق شده است. (حداد عادل، ۱۳۸۰: ۶۴۵) برخی معتقدند: تحریم «اقداماتی است که دو یا چند بازیگر بین‌المللی علیه یک یا چند بازیگر دیگر به منظور تحقق یکی یا هر دو هدف - «تنبیه طرف مقابل با محروم ساختن آن از برخی امور» که برای آن ارزشمند است یا «وادار ساختن طرف مقابل به رعایت برخی هنجارها که برای طرف اقدام‌کننده حائز اهمیت می‌باشد» - به عمل می‌آورند. (Charnovitz, 2008: 5)

امور تنبیهی شامل تمام ممنوعیت‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، آموزشی، ورزشی، بهداشتی و ... است. از نظر عده‌ای دیگر «تحریم خودداری از برقراری روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا نظامی برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول در دولتی دیگر است. تحریم یک اقدام دسته جمعی بدون استفاده از زور و نیروی نظامی است که از سوی سازمان ملل متحد علیه کشور خاطی در برابر تهدید یا نقض صلح به کار گرفته می‌شود» (حبیبی مجنده و دیگران، ۱۳۹۲: ۷) که مهم‌ترین کاربرد آن بازدارندگی است. (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۶: ۹۲)

رابرت پی‌اوکووین معتقد است: تحریم‌ها تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند. این تسلیحات مانند دیگر تسلیحات راهبردی، باید با حداکثر احتیاط به کار گرفته شوند تا مبادا شرکت‌های خودی و کارگران، تامین‌کنندگان و سهامداران آن‌ها هدف آتش خودی قرار گیرند. (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

هافبائر و اسکات با محدود کردن تعریف به ابعاد عملیاتی، معتقدند تحریم اقتصادی حذف آگاهانه و با خواست دولتی و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی معمول است. (ولیزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۱). در منشور سازمان ملل متحد تحریم فقط روابط اقتصادی را شامل نمی‌شود، بلکه تمام روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

انواع تحریم‌ها

در گونه‌شناسی انواع تحریم با طبقه‌بندی‌های متفاوتی مواجه هستیم؛ در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را از جنبه‌های ذیل بررسی کرد:

الف) دامنه شمول یا حدود تحریم: در این نگرش تحریم‌ها عبارتند از:

الف) تحریم یکجانبه: منظور از تحریم یکجانبه، تحریم‌های خارج از چند و چون قطعنامه‌های شورای امنیت است؛ به این معنا که یک دولت بر دولت یا دولت‌های دیگر، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را وضع می‌کند. (آل کجیاف، ۱۳۹۳: ۱۲). تحریم‌های یک جانبه اقتصادی در حقوق بین‌الملل در دو مورد منشور ملل متحد را نقض می‌کنند. طبق بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد، اصل همکاری بین دولت‌ها در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و بشردوستانه است، از مقاصد ملل متحد محسوب می‌شود؛ اقدامات یک جانبه، تنها در صورتی برای جامعه بین‌المللی قابل پذیرش هستند که در چهارچوب شرایط مقبول همگان، اجرا شوند؛ در غیر این صورت کل سیستم بین‌المللی ایجاد شده پس از جنگ دوم جهانی و نظم مبتنی بر منشور ملل متحد را که همکاری، یکی از اصول مورد تأیید آن است، مورد تهدید قرار می‌گیرد.

تحریم یکجانبه به خصوص تحریم‌های ثانویه یا فراسرزیمینی ناقض اصل همکاری بین کشورهاست؛ چرا که طبق اصل کلی همکاری که یکی از بنیادهای نظم حقوقی مبتنی بر منشور ملل متحد است، هیچ کشوری نمی‌تواند اقدام یکجانبه را ابزاری برای تاخت و تاز علیه حاکمیت سایر دولت‌ها قرار دهد. نیز بر اصل عدم مداخله باز در تحریم‌های یکجانبه شاهد نقض قوانین و حقوق بشر هستیم. شارل روسو معتقد است: مداخله‌کار کشوری است که در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر نفوذ می‌کند تا آن کشور را به انجام دادن یا ندادن عملی وادار کند. کشور مداخله‌کننده از موضع قدرت عمل می‌کند و در پی آن است که اراده خود را با اعمال فشار (سیاسی، اقتصادی، روانی، نظامی و...) تحمیل کند؛ فشار اقتصادی حتی در صورت فقدان قواعد خاص، نباید از یک سری حدود تجاوز کند. اما این فشار غیرقانونی ممکن است اصل عدم مداخله را نقض کند، همچنین برابری حقوقی دولت‌ها یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل می‌باشد. هیچ کشوری نمی‌تواند قوانین داخلی خود را مستمسکی برای مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر یا به مخاطره انداختن استقلال و تمامیت ارضی آنها قرار دهد و این امر عدم مشروعیت تحریم‌های فراسرزیمینی را توجیه‌پذیر می‌نماید.

وضع قانون فراسرزیمینی داماتو کندی (۱۹۹۶) و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای سال ۲۰۰۰ توسط ایالات متحده آمریکا، هرگونه صادرات مواد و فناوری و تجهیزات قابل مصرف در تولید و توسعه تسلیحات به ایران را ممنوع کرد و متخلفین از آن مقررات با هر تابعیتی و در هر کجا که قرارداد بسته باشند را از هرگونه تجارت با آمریکا و اتباع و شرکت‌های آن محروم ساخت و عملاً

حقوق بیگانگان در قلمرو ایالات متحده را نیز از آنان سلب نمود. که البته اتحادیه اروپا همان زمان با تصویب قطعنامه در پارلمان اروپا در ۲۵ اکتبر ۱۹۹۶ مخالفت خود را ولو به صورت ظاهری با این افعال اعلام نمود و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی متعددی نیز با این قوانین همراهی نمودند که می‌توان آن را بستری برای تولد قوانین جدیدی نسبت به تحریم در ورای مرزها تلقی نمود به شرطی که به فعلیت برسد.

۲/الف) تحریم همه‌جانبه: منظور از تحریم‌های چندجانبه تحریم‌هایی است که دولت‌ها در قالب تصمیم جمعی بر دولت یا دولت‌هایی وضع می‌کنند. در این نوع از تحریم‌ها معافیت‌های بشردوستانه در نظر گرفته نمی‌شود؛ کلیه کالاها و خدمات مورد نیاز مردم کشور هدف مورد تحریم قرار می‌گیرد (آل کجیاف، ۱۳۹۳: ۱۳). بنابراین در مقایسه با نوع اول بار ممنوعیت بیشتری بر دولت هدف اعمال می‌شود.

۳/الف) تحریم اولیه و ثانویه: اگر تحریم‌ها فقط مربوط به روابط دو کشور باشد، به طوری که یک کشور از برقراری تجارت یا تبادل خدمات یا سایر روابط اقتصادی و اجتماعی با کشور دیگری امتناع نماید، به این تحریم اصطلاحاً «تحریم اولیه» یا ابتدایی گفته می‌شود، که دامنه شمول آن محدود است. گاهی کشوری ممکن است دامنه تحریم را گسترش داده و از برقراری روابط بازرگانی، مالی و سایر روابط با دیگر کشورهایی که با کشور مورد تحریم دارای روابط می‌باشند، خودداری نماید که از آن به «تحریم ثانویه» یاد می‌شود. (Kausch, 1982: 74).

۴/الف) تحریم هوشمند: تحریم‌های هوشمند برخاسته از حقوق بین‌الملل هستند که علیه آن دسته از افراد، گروه‌ها یا مقامات عالی رتبه اعمال می‌شوند که از قواعد بین‌المللی تخلف می‌کنند. طراحی این تحریم‌ها بدین نحو است که بها و هزینه عدم تمکین از مقررات بین‌المللی را برای دولت هدف، افزایش داده و لسی در عین حال از فشار و رنجی که اغلب از اعمال این نوع تحریم‌ها بر اقشار آسیب‌پذیر تحمیل می‌شود، خودداری می‌کنند. (علیزاده، ۱۳۹۶: ۹۱).

ب) - تحریم‌های داخلی و بین‌المللی:

۱/ب - تحریم‌های خصوصی: تحریم خصوصی توسط افراد، گروه‌ها یا تشکیلات غیر دولتی به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش یا حتی دولت متبوع خود این افراد به انجام رفتاری مشخص صورت می‌گیرد. (عمادی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۹)

۲/ب - تحریم‌های دولت‌ها علیه یکدیگر: یکی از روش‌های کارآمد برای تحقق هدف‌ها و تأمین

منافع ملی در اجرای سیاست خارجی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیک است. بر همین اساس دولت استفاده کننده از این حربه‌ها تلاش می‌کند دولت‌های دیگر را به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی شان وادار کند، به گونه‌ای که دگرگونی‌های حاصل از داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده از ابزارهای مورد نظر را به دنبال داشته باشد.

۳/ب - تحریم‌های جمعی توسط سازمان ملل متحد: تجربه کشورهای قدرتمند از جنگ جهانی اول باعث شد یک سیستم تحریم اقتصادی جمعی به عنوان مجازات جامعه بین‌المللی علیه کشور خاطی در مواد ۱۶ و ۱۷ میثاق جامعه ملل درج گردد. براساس ماده ۱۶ اعضا ملزم بودند روابط تجاری و مالی خود را با هر یک از اعضا که برخلاف تعهداتش در چهارچوب میثاق متوسل به جنگ شود قطع کنند. این ماده از ضمانت اجرایی لازم و کافی برخوردار نبود و نتوانست از شروع جنگ جهانی دوم پیشگیری کند. بنابراین در هنگام تاسیس سازمان ملل، نویسندگان منشور ملل متحد، در صدد ایجاد نظامی با ضمانت اجرای کارآمد برآمدند. مهم‌ترین اقدام آن‌ها در این زمینه، تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در شورای امنیت بود که در فصل هفتم منشور آمده است. (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۲۱-۱۱۲)

اهداف تحریم

در صحنه روابط بین‌الملل دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی این عرصه، از ابزارهای متنوعی جهت نیل به اهدافشان استفاده می‌نمایند. آن‌ها همیشه اهداف خود را به روشنی و صراحت اعلام نمی‌کنند و پس از شکست در دیپلماسی به سمت تحریم علیه کشور هدف روی می‌آورند تا به اهداف سیاست خارجی خود دست یابند. در این میان، در مواردی که کشورها پس از استفاده از ابزار دیپلماسی با شکست مواجه می‌شوند به ابزار دیگری به نام تحریم متوسل می‌شوند (رهبر و سایرین، ۱۳۹۶: ۱۵) اما نباید و نمی‌توان همه‌ی کنش‌ها و واکنش‌ها را مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده و عقلانی فرض کرد چرا که در عالم واقع، دو سوی تحریم (یعنی تحریم‌کننده و تحریم شونده) در محیطی خصومت‌آمیز قرار می‌گیرند که می‌تواند بر تحلیل‌هایشان از رفتار یکدیگر تأثیرگذار باشد و این امر به نوبه خود ممکن است منجر به تغییر اهداف هر یک از طرفین از طریق احتمال خشن شدن اهداف یا اقدام‌های کاملاً مغایر با اهداف از پیش تعیین شده اولیه‌شان گردد. براساس قاعده، رفتار و موضع‌گیری سیاسی دولت‌ها مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده و در راستای تأمین منافع ملی شان صورت می‌گیرد. به همین جهت شاید بتوان گفت که مهم‌ترین و یا تنهاترین هدف تحریم برای

تحریم‌کنندگان، می‌تواند تامین منافع ملی آن‌ها باشد و از همین روست، هر زمان که منافع ملی شان اقتضا کند، تحریم را حذف می‌کنند، یا کاهش می‌دهند، یا افراد و شرکت‌هایی را از این امر مستثنی می‌کنند. (همان: ۱۴).

معمولاً اعمال تحریم و مجازات علیه کشوری و یا گروهی برای دستیابی به منافع ملی در راستای محورهای ذیل صورت می‌گیرد:

۱. پیشگیری از دستیابی یک کشور و یا گروه به توانمندی‌هایی که می‌توانند برای صلح و امنیت بین‌المللی خطرناک و نگران‌کننده باشند؛

۲. ایجاد موانع فرضی یا واقعی برای دشوار کردن ادامه راه؛

۳. بد نام کردن یک کشور یا هیات حاکمه یک کشور یا یک گروه در سطح بین‌المللی به عنوان یاغی، متجاوز و یا مشا خطر و تهدید؛

۴. پاسخگو کردن و تغییر رفتار یک دولت در قبال مردم آن و یا جامعه بین‌المللی؛

۵. همراه کردن از طریق اعمال دیپلماسی و اجبار (ایروانی، ۱۳۸۵: ۴)؛

۶. نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های یک کشور؛

۷. جهت خودداری از جنگ یا محدود کردن و خاتمه جنگ؛

۸. مهار یک یا چند جانبه به منظور خنثی نمودن یا کاهش دامنه تهدیدها؛

۹. ابزاری جهت ترغیب به مذاکره یا کسب نتیجه در آن؛

۱۰. مقدمه‌ای جهت به کارگیری قوه قهریه توسط سازمان ملل متحد یا دول تحریم کننده.

(آل‌کجیاف و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷)

مبانی حقوقی تحریم‌ها

شورای امنیت در چارچوب حفظ صلح و (Charter of the UN, Art:41) امنیت بین‌المللی از صلاحیت وضع تحریم در چهارچوب فصل هفتم منشور برخوردار است. (Charter of the UN, Art:41) این شورا در مقام پاسدار صلح و امنیت بین‌المللی، ابتدا باید وجود «نقض صلح یا وجود تهدید علیه صلح» را احراز کند و پس از آن «تجاوز»، یا چاره‌اندیشی نموده و توصیه نماید؛ تدابیر موقت را درخواست و یا به اقدام قهری دست زند. (Charter of the UN, Art: 39) اولین اقدام شورا یعنی احراز موارد فوق، باید زمانی انجام شود که تهدید یا نقض جدی

صلح و امنیت بین‌المللی رخ داده باشد. از این رو اهداف و انگیزه‌های سیاسی اعضای شورا نباید در این احراز، اثرگذار باشد. (Bossuyt, 2000, Para: 42) البته برای تشخیص و احراز وضعیت «تهدید علیه صلح و تجاوز و نقض صلح» معیاری در منشور تعیین نشده و این مسئله باعث ابهام در حد فاصل این سه عنوان شده است.

رویه شورای امنیت نیز در این خصوص متزلزل و بر تمایلات سیاسی اعضای دائم شورا قرار دارد. از این رو ماده ۳۶ منشور با انتقادات زیادی همراه شده است (فلسفی، ۱۳۹۶: ۱۰۲؛ برانلی، ۱۳۷۰: ۴۵) و دولت‌های عضو سازمان ملل که از احاله تعریف و تشخیص موارد سه‌گانه فوق به شورای امنیت و در نتیجه گسترش نامحدود صلاحیت و عملکرد شورا، ناراضی بودند، تلاش‌های زیادی را برای تبیین ملاک‌هایی در این خصوص مبذول داشته‌اند. به هر حال، شورای امنیت پس از احراز موارد سه‌گانه فوق به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، قبل از هر اقدامی می‌تواند از طرف‌های ذینفع بخواهد که اقدامات موقتی را که این شورا ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد، انجام دهند. (the UN, Art: 40 همچنین می‌تواند توصیه‌هایی را در راستای حفظ صلح و امنیت (Charter of the UN) بین‌المللی ارائه نماید یا اینکه تصمیم بگیرد برای تأمین صلح و امنیت بین‌المللی باید به چه اقدامات نظامی یا غیر نظامی مبادرت نماید. (Charter of the UN, Art: 39_42)

اقدامات غیر نظامی مطرح شده در ماده ۴۱ منشور مبنای اصلی تحریم‌های سازمان ملل است و بر این اساس شورای امنیت در اجرای تصمیمات خود می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که اقدامات تحریمی مورد نظر شورا را علیه کشور یا کشورهای متخلف اعمال نمایند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی، ارتباطات ریلی، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و همچنین قطع روابط سیاسی باشد. بر خلاف توصیه‌های شورای امنیت در ماده ۳۹ که جنبه الزامی ندارد و اختلاف نظری که در خصوص الزام آور بودن اقدامات موقت ماده، ۴۰ وجود دارد (زمانی و میدانی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۳) تصمیمات شورا بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور، برای اعضای سازمان ملل متحد الزام‌آور است. در عمل شورای امنیت، تا قبل از دهه ۱۹۹۰ به دلیل فضای دوقطبی جنگ سرد و وجود حق وتو، تنها در دو مورد رودزبای جنوبی (زیمبابوه فعلی) و آفریقای جنوبی، موفق به وضع و اعمال تحریم شده بود، اما با فروپاشی بلوک شرق و خاتمه جنگ سرد، این شورا تحت نفوذ بلامنزاع کشورهای غربی به رهبری دولت آمریکا قرار گرفت و مداخلات آن در تحولات بین‌المللی به نحو چشم‌گیری افزایش یافت. با توجه

به این شرایط، شورای امنیت توانست قطعنامه‌های الزام آور متعدد صادر کند (ترابی، ۱۳۸۵: ۳۵۶-۳۵۵) و از ابزار تحریم اقتصادی نیز به نحو گسترده استفاده نماید.

تعهد سازمانهای بین‌المللی و دولت‌ها نسبت به حقوق بشر

بعد از تشکیل سازمان ملل، حقوق بشر جایگاه رفیعی را در جامعه جهانی به دست آورده است و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از طریق معاهدات مختلف، تعهد خود را نسبت به موازین بین‌المللی حقوق بشر اعلام نموده‌اند؛ موازینی که بسیاری از آنها قبل از انعقاد معاهدات حقوق بشری، به عنوان قواعد عرفی حقوق بین‌الملل نیز الزام آور بوده‌اند. همچنان‌که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود راجع به کنوانسیون منع ژنوساید، اصول تشکیل دهنده شالوده کنوانسیون را حتی بدون هر گونه تعهد قراردادی بر دولت‌ها الزام آور می‌داند. (رستم زاده، ۱۳۸۴: ۱۱)

تاناکا، قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری، در نظریه خود در پرونده افریقای جنوب غربی، تصریح می‌کند که معاهدات بین‌المللی، استانداردهای موجود حقوق بشر را که معتبر و لازم‌الاجراء هستند، اعلام می‌کنند. به هر حال اسنادی که می‌تواند در زمینه لزوم رعایت حقوق بشر در تحریم‌ها مورد استناد قرار بگیرد، برخی الزام آور و برخی غیرالزام آور است. اسناد الزام آور از مهمترین این اسناد، منشور سازمان ملل است. در منشور، یکی از اهداف سازمان ملل، همکاری بین‌المللی در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر عنوان (Charter of the UN, Art: 1-3) شده است. در این سند، دولت‌ها، سازمان ملل و ارکان ذیربط آن الزام دارند در جهت ارتقاء سطح زندگی، حق اشتغال، توسعه امور اقتصادی و اجتماعی، بهداشت عمومی و احترام و رعایت حقوق بشر گام بردارند (Charter of the UN, Art: 1-3) همچنین بر اساس ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت مکلف است اقدامات خود را در چارچوب اصول و اهداف منشور به انجام رساند.

از جمله اسناد الزام آور، اسناد ویژه حقوق بشر و بشردوستانه با عناوینی همچون معاهده، میثاق و کنوانسیون است. مهمترین این اسناد، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک و کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه ژنو می‌باشد. رعایت معیارهای مطرح شده در این اسناد هم به لحاظ حقوق بین‌الملل عرفی، و هم به لحاظ الزام قراردادی کشورهای عضو این اسناد، در هر اقدامی از جمله وضع و اعمال تحریم، از سوی سازمان ملل و دولت‌ها باید رعایت گردد. اسناد غیرالزام آور حقوق بشر به

اقتضای ماهیت ویژه خود، اسناد غیرالزام‌آور متعددی را نیز در خود جای داده است.

مهمترین این اسناد، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر و مصوباتی است که شرح ماده یک منشور در زمینه لزوم احترام و ارتقاء حقوق بشر محسوب می‌شود. قطعنامه‌های مجمع عمومی اگرچه توصیه‌ای بوده و فی‌نفسه الزام‌آور نیست، اما از آنجا که با استناد و اتکاء به اسناد الزام‌آور حقوق بشر صادر می‌شوند و با توجه به عضویت قریب به اتفاق کشورهای جهان در مجمع عمومی، این مصوبات مظهر اراده جمعی جامعه جهانی و عرف بین‌الملل بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

منابع حقوقی وضع تحریم‌های یکجانبه علیه دولت‌ها: ایالات متحده آمریکا در توجیه

تحریم‌های یکجانبه خود علیه کشورهای هدف علاوه بر تمسک به قواعد و قوانین بین‌المللی، از طریق تصویب قوانین داخلی تحریم‌هایی علیه کشورهای دیگر وضع نموده است که از آن جمله می‌توان به قانون عضویت در سازمان ملل متحد ۱۹۴۵ اشاره داشت که مطابق قسمت پنجم این قانون هرگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد، ذیل ماده ۲۱ در راستای تصمیم شورا اقداماتی را انجام دهد، رئیس جمهور آمریکا می‌تواند تا حدی که برای اجرای آن اقدامات ضروری است، تصمیماتی را اتخاذ و روابط تجاری آمریکا با کشور مد نظر شورای امنیت را محدود یا ممنوع اعلام نماید. نیز قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی ۱۹۷۷ که مطابق آن رئیس جمهور آمریکا اختیار دارد که در شرایط تهدید غیرعادی و فوق‌العاده از سوی خارج که امنیت ملی، روابط خارجی و اقتصادی آمریکا را تهدید می‌نماید، روابط تجاری را در صورت لزوم با محدودیت‌هایی تنظیم نماید.

اعتبار تحریم در حقوق بین‌الملل: یکی از مسائل مهم ادبیات بین‌الملل مشروعیت تحریم‌های

اقتصادی دوجانبه‌ای است که یک کشور علیه کشور دیگر اعمال می‌کند. از منظر حقوق بین‌الملل سه دیدگاه در این زمینه وجود دارد: اصل حاکمیت کشور، اصل بی‌طرفی و اصل منع قانونی.

اصل حاکمیت کشورها که با ضعف تشکیلاتی جامعه بین‌المللی قوت می‌گیرد معتقد است که دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌الملل در تنظیم روابط خارجی خود با سایر کشورها آزادند بنابراین اگر منافع دولتی آسیب ببیند؛ این دولت می‌تواند از حداکثر امکانات برای مقابله با این تهدید استفاده کند. بدین نحو که حق دارند در روابط خود کشور مورد تقابل را در عرصه سیاسی، اقتصادی و ... محدود کنند یا تحت فشار قرار دهند. اما این فشار تا زمانی مشروعیت دارد که نشان‌دهنده، اختلاف بین کشور تحریم کننده و تحریم شونده باشد. زمانی که این فشارها

گسترش یابد و متضمن تحمیل قوانین مقرراتی باشد که از محدوده مرزهای کشورها هدف فراتر باشد و به اصل حق حاکمیت خدشه وارد کند؛ فاقد مشروعیت است. در اصل بی طرفی مبادرت یک کشور به جنگ اقتصادی مستقیم علیه کشور دوم مشروع است اما تسری زیانها و مضرات آن به سایر کشورها پذیرفته نیست. براساس این رویکرد همه محدودیتها و ممنوعیت‌های اقتصادی باید بر کشوری که دارای اختلاف سیاسی با کشور تحریم کننده است متمرکز شود.

براساس رویکرد منع قانونی تحریم علیه هیچ کشوری مجاز نیست؛ این نظریه بیشتر در اقتصاد سیاسی کلاسیک لیبرال ریشه دارد تا حقوق بین الملل. مقایسه این سه اصل خاطر نشان می‌سازد که رویکرد بی طرفی بین دو رویکرد دیگر قرار دارد؛ اما دو اصل منع قانونی و دیدگاه حاکمیت کشورها در نقطه مقابل هم قرار می‌گیرند. براساس دیدگاه حاکمیت کشورها، هر یک از دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی در جهت نیل به اهداف منافع ملی تلاش می‌کنند و کارکرد حقوق بین‌الملل حل و فصل مناقشات در هنگام تقابل منافع است. اما تدقیق در اصل بی طرفی بیانگر این مساله است که حقوق بین‌الملل فراتر رفع اختلاف بین کشورهای متخاصم، وظیفه حفظ نظم بین‌المللی از طریق پیشگیری از گسترش تاثیر مناقشات به کشورهای ثالث است.

رویکرد آرمان‌گرای منع قانونی با حمایت از ترویج و ترفیع سازگاری و هماهنگی هر نوع جنگ اقتصادی و غیراقتصادی را رد می‌کند و به رفاه کل بشریت می‌اندیشد (زهرانی، ۱۳۷۶: ۱۹-۱۸). آنچه گفته شد نشان می‌دهد که مشروعیت تحریم‌ها فقط در اصل حاکمیت کشورها پذیرفته است و دو نظریه منع قانونی و بی طرفی تحریم‌ها را مجاز نمی‌شمارند.

تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه علیه جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۱

الف - تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران: به طور کلی تحریم‌های یکجانبه وضع شده توسط آمریکا علیه ایران به دو بخش تقسیم می‌شود: یک دسته تحریم‌هایی که با دستورات اجرایی رئیس جمهور آمریکا اعمال شده و دسته دیگر تحریم‌هایی است که از طریق قوانین کنگره اعمال می‌شود. رئیس جمهور با استناد به قوانین مصوب کنگره دستورهای اجرایی برحسب شرایط زمانی خاص صادر می‌کند که لازم الاجرا می‌باشد و البته در صورت تأمین اهداف مورد نظر لغو می‌شوند. بنابراین به فرامینی که بر اساس حقوق اساسی آمریکا با استناد به قانون وضعیت اضطراری بین المللی و به منظور مقابله با تهدیدهای غیرعادی و فوق العاده علیه امنیت ملی، سیاست

خارجی و اقتصاد ایالات متحده فرامینی از سوی رئیس جمهور صادر می شوند، دستورهای اجرایی گفته می شود.

اساس تحریم های یکجانبه ایالات متحده علیه ایران علاوه بر دستورهای اجرایی، بر قوانین مصوب استوار است که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: قانون جامع تحریم ایران، پاسخ گویی و خروج سرمایه؛ اصلاحات تحریم های بازرگانی و تقویت صادرات؛ قانون امنیت بین المللی و گسترش همکاری؛ مجموعه قوانین و مقررات فدرال؛ قانون اداره صادرات؛ قانون مقابله با تکثیر تسلیحات هسته ای ایران مصوب سپتامبر؛ قانون اختیار دفاع ملی؛ قانون اضطراری ملی؛ قانون کمک های خارجی؛ قانون تحریم ایران ایسا و قانون گسترش تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران.

ب - تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد: قطعنامه هایی که برای این موضوع تصویب شدند: ۱/ب) قطعنامه ۱۶۹۶: این قطعنامه در ۳۱ جولای ۲۰۰۶ م. (۹ مرداد ۱۳۸۵) تصویب شد. در اولین پاراگراف قسمت اجرایی قطعنامه آمده است، برای ملزم کردن ایران برای توقف غنی سازی و الحاق به پروتکل الحاقی موافقت نامه های پادمان راهی جز ارجاع موضوع به شورای امنیت و توسل به ماده ۱۰ منشور وجود ندارد.

۲/ب) قطعنامه ۱۷۳۷: قطعنامه ۱۷۳۷ که در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ م. تصویب شد، به صورت آشکار به تحریم انتقال دانش و فناوری، بازرگانی، افراد و آموزشی مبادرت ورزیده است. آنجا که در بند ۸ از کلیه دولت های عضو سازمان ملل می خواهد که در خصوص ورود و عبور افراد مرتبط با فعالیت های هسته ای مواظبت نمایند. در بند ۱۲ از کلیه دولت ها می خواهد، دارایی های افراد تحریم شده را مسدود کنند. بند ۱۷ از دولت ها خواسته از تدریس و آموزش اتباع ایرانی در حوزه هسته ای خودداری کنند. (فلاحی، ۱۳۹۵)

۳/ب) قطعنامه ۱۷۴۷: این قطعنامه در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ م. تصویب شد. در بند ۲ از کلیه دولت ها می خواهد که در مورد افراد مرتبط با فعالیت های هسته ای مراقبت نمایند که در حقیقت به تحریم مسافرتی و افراد به خصوص دانشمندان اقدام نمود. در بند ۴ افرادی در حوزه های علمی، سیاسی، حاکمیتی و شرکت های تولیدی و خدماتی که به نظر شورای امنیت در فعالیت های هسته ای شرکت می کنند را مورد تحریم قرار می دهد (تحریم افراد و بازرگانی) در بند ۵ می خواهد که ایران به تأمین و فروش یا انتقال مستقیم و غیرمستقیم سلاح اقدام نرزد که همان تحریم تسلیحاتی ایران می باشد. در بند ۷ از دولت ها می خواهد که متعهد به کمک مالی و وام جدید به ایران نشوند.

۴/ب) قطعنامه ۱۸۰۳: در قطعنامه ۱۸۰۳ در بند ۳ به مانند بند ۱ قطعنامه ۱۷۴۳ از کلیه دولت‌ها می‌خواهد در مورد ورود افراد مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران مراقبت به عمل آورند. شورای امنیت در این بند، تحریم افراد و مسافرت را اعمال کرده است. بند اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی اشاره شده در پیوست قطعنامه را تحریم می‌کند. در حقیقت، تحریم افراد سیاسی و بازرگانی را تحمیل نموده است. در بند ۹ شورای امنیت از کلیه دولت‌ها عدم همکاری مالی، بانکی و بیمه‌ای در راستای تولید و تکثیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران را می‌خواهد که در حقیقت مجوز تحریم مالی و بانکی کلی و بدون هدف بر مؤسسه‌ها و بانک‌های ایرانی است. بند ۱۰ هوشیاری کلیه دولت‌ها نسبت به فعالیت‌های بانکی و مالی ایرانی به خصوص بانک‌های ملی، صادرات و شعبه‌های خارج از ایران آن‌ها را می‌خواهد. در بند ۱۱، شورا از کلیه دولت‌ها بازرسی محموله‌های به سمت ایران مظنون به حمل کالاهای مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای را طلب می‌کند. (جاوید، ۱۳۹۳: ۴۵)

۵/ب) قطعنامه ۱۸۳۵: قطعنامه ۱۸۳۵ تصویبی در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸ با یادآوری تعهدات موردنظر شورای امنیت، پنجمین قطعنامه رسمی علیه جمهوری اسلامی ایران است. از ایران خواسته مفاد قطعنامه‌های قبلی از جمله تعلیق غنی‌سازی را اجرا نماید.

۶/ب) قطعنامه ۱۸۸۷: قطعنامه ۱۸۸۷ تصویبی ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ م. بدون نام ایران از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای متعهد و ضوابط و احتیاط‌های لازم در خصوص بهره‌برداری از انرژی اتمی را رعایت نمایند. نکته قابل توجه این قطعنامه بند ۴ آن است که از تمامی دولت‌های برخوردار از انرژی هسته‌ای می‌خواهد به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بپیوندند و درحقیقت این تکلیفی برای همه دولت‌ها اعم از هند، پاکستان و اسرائیل می‌باشد.

۷/ب) قطعنامه ۱۹۲۹: این قطعنامه در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰ م. تصویب شد. بند ۸ قطعنامه به تحریم تسلیحاتی ایران اقدام نموده که مغایر با حق دفاع مشروع دولت‌ها بر اساس ماده ۵۱ منشور است. در بند ۱۸ قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد در صورتی که اطلاعاتی در دست داشته باشند مبنی بر اینکه کشتی‌ها و شناورهایی در حال حمل کالاهایی هستند که تأمین و فروش آن‌ها طبق قطعنامه‌های تحریمی ممنوع است از ارائه خدمات ذخیره‌ای مانند تأمین سوخت به کشتی‌ها و شناورهای ایرانی یا دارای قرارداد با ایران ممانعت به عمل آورند. بند ۱۵ و ۱۴ قطعنامه به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا هواپیماها و کشتی‌های مظنون را که از ایران یا به طرف آن در حال حرکت هستند، در قلمرو سرزمینی خود بدون اخذ مجوز در صورت وجود اطلاعات موثق مبنی بر وجود یکی از اقلام ممنوع

شده در قطعنامه‌های قبلی و ۱۹۲۹ از دولت صاحب پرچم بازرسی کنند. قطعنامه ۱۹۲۹ پراثرترین قطعنامه بر ایران است و مهم‌ترین اثر آن تشدید تحریم‌های یکجانبه می‌باشد. (شهبازی، ۱۳۹۰: ۷۱)

تأثیر تحریم و نقض حقوق بشر در تحریم‌ها علیه ایران

حقوق بشر تبدیل به گفتمانی شده است که در جامعه جهانی رعایت آن می‌تواند به عنوان عاملی مهم در مقبولیت عمومی یک کشور تلقی شود. حقوق بشر تا بدان‌جا اهمیت یافته است که تمامی سازوکارهای بین‌المللی نیز باید مطابق آن باشند. تحریم‌هایی که به وسیله شورای امنیت و حتی یکجانبه وضع می‌شوند، نیز در دایره حقوق بشر می‌باشند. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که مورد تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفته است. تحریم‌های یکجانبه آمریکا بر ایران بسیار گسترده و مؤثر بوده است. تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده از جوانب مختلف موجب نقض حق‌های بشری مختلف شهروندان ایرانی شده است. (توحیدی فرد، ۱۳۸۱: ۳۲)

تحریم‌های آمریکا جزئی از تحریم‌های یکجانبه است. ایالات متحده، اقدامات ایران در زمینه هسته‌ای را برای جامعه بین‌الملل خطرناک می‌داند و هدف خود را توقف این برنامه‌ها اعلام کرده است. اما همیشه برای آن دولت توقف تأثیر تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی برنامه‌های هسته‌ای مهم نبوده چنانچه در دهه ۱۹۸۰ به پاکستان کمک‌های اقتصادی می‌نمود با وجود قوانینی که چنین کمک‌هایی به دولت‌هایی که درصدد به دست آوردن فناوری سلاح‌های هسته‌ای هستند را منع می‌کرد بسیاری معتقدند که اقدام ایالات متحده در اعمال قوانین خود نسبت به رفتارهایی که در سایر کشورها انجام می‌گیرد، بیانگر نوعی مداخله غیر قابل قبول در حقوق حاکمیتی آن کشورها می‌باشد. (احتشامی، ۱۳۸۹: ۲۵)

به منظور نیل به اینکه آیا تحریم‌های اقتصادی آمریکا خسارات جدی به ایران وارد آورده‌اند، ضروری است آثار چنین تحریم‌هایی بر اقتصاد کشور مورد بررسی قرار گیرد. علی‌رغم گرایش ایالات متحده در استفاده از تحریم‌های اقتصادی، آثار واقعی این تحریم‌ها به وسیله اقتصاددانان مورد تشکیک و تردید واقع شده است. مطالعات انجام شده به وسیله هافبوئر، اسکات و الیوت نشان می‌دهد که از زمان جنگ جهانی دوم تنها یکی از سه تحریم اقتصادی در نیل به نتایج سیاسی پیش‌بینی شده، موفقیت‌آمیز بوده است. هافبوئر، اسکات و از میان ۱۰۳ تحریم تشریح شده به وسیله

این نویسندگان آمریکایی ۶۹ مورد یا به عبارت دیگر، ۶۷٪ تحریم‌ها توأم با موفقیت نبودند. به این معنی که آن‌ها دارای حد اقل تأثیر بودند یا اساساً هیچ‌گونه اثری بر رفتار کشور تحریم شده ایجاد نکرده‌اند، در خصوص ایران می‌توان گفت هرچند که تحریم‌های آمریکا باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران به نحوی که مورد انتظار آمریکا بود نشده است، ولی در صورت عدم وجود تحریم، اقتصاد کشور در وضعیت مطلوب‌تری قرار می‌گرفت. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۳۳۶)

با تدقیق و تعمیق در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۷۱ می‌توان این نتیجه را گرفت که تحریم‌های اقتصادی آمریکا نه تنها سبب بروز تنگنانهایی در خرید و واردات کالا از خارج گردید؛ بلکه باعث افزایش تعداد واسطه‌ها در خریدهای کشور از خارج، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، بیمه و توقف کشتی‌ها و طولانی شدن مدت‌زمان حمل کالا به علت تأمین کالاهای ضروری به وسیله واردکنندگان از طریق واسطه‌های کویتی یا دیگر بنادر خلیج فارس شد.

آشفته‌گی سیستم توزیع، احتکار و گران‌فروشی، پیدایش بازار سیاه برای بسیاری از کالاها و تشکیل کمیته صنفی و دادگاه انقلابی ویژه در این مورد را می‌توان از دیگر تبعات تحریم‌های آمریکا دانست. تحریم‌های آمریکا ایران را مجبور به پرداخت هزینه‌های بیشتر برای کالاهای وارداتی نموده است. یکی از آثار تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ایران کاهش ارزش ریال بوده است که به نوبه خود باعث کاهش واردات و تحدید دسترسی ایران به سرمایه و تکنولوژی خارجی شده است. به عبارت دیگر، تحریم‌های آمریکا جو سرمایه‌گذاری در ایران را تغییر داد و انتقال تکنولوژی به ایران صورت نگرفت. تحریم‌های آمریکا همچنین ایران را مجبور کرد قسمتی از طرح‌های توسعه ساختاری اقتصادی را پس از جنگ متوقف کند. با این وجود، این تحریم‌ها مانع از فعالیت شرکت‌های نفتی در ایران نگردیدند. علت آن روابط خوب ایران با شرکت‌های استخراج و بازاریابی نفت جهانی بوده است. محققاً تا زمانی که تقاضا برای نفت خام ایران در بازارهای جهانی به اندازه کافی موجود باشد، دشواری چندانی برای ایران ایجاد نخواهد شد. (توحیدی‌فرد، ۱۳۸۱: ۲۸۴)

تحریم‌های اقتصادی گرچه معمولاً خساراتی را بر کشور تحریم شده تحمیل می‌کنند، اغلب برای کشورهای تحریم‌کننده نیز دارای هزینه‌های سنگینی نیز می‌باشند. برای مثال تحریم‌های آمریکا در درجه اول شرکت‌های نفتی این کشور را تحت تأثیر قرار داده است. شرکت‌های مزبور در سال ۱۹۹۴ نزدیک به ۳/۵ میلیارد دلار نفت خام از ایران خریداری کرده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد که تحریم‌های آمریکا بر ایران، لیبی و سوریه سالانه ۷ میلیارد دلار خسارت جانبی بر آمریکا وارد می‌کنند و باعث از بین رفتن

۲۰۰/۰۰۰ شغل در این کشور می‌گردند. مطالعه انجام شده به وسیله مؤسسه اقتصاد بین‌المللی، حاکی از این است که هزینه تحریم‌های وارده بر شرکت‌های آمریکایی در سال ۱۹۹۵ به تنهایی در حدود ۱۵ تا ۱۹ میلیارد دلار بوده است. گریز از تحریم یک روش مهم تعدیل تحریم‌های اقتصادی از طریق توسعه منابع عرضه‌جانشین، متنوع کردن شرکای تجاری کشور و پذیرش سیاست تجهیز اقتصادی و خودکفایی محسوب می‌گردد. همان‌گونه که هانلون و اووند استدلال می‌کنند، موفقیت در مقابل اقتصادی که نسبتاً خودکفاست مشکل‌تر است. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۳۳۷)

سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که چرا تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا کاملاً موفقیت‌آمیز نبوده‌اند. بررسی انجام شده به وسیله یک اقتصاددان ایرانی در آمریکا نشان می‌دهد که اقتصاد ایران تحت تحریم‌های آمریکا در برخی موارد حتی سالم‌تر و باثبات‌تر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای است که آمریکا به آن‌ها کمک کرده است. همان‌گونه که کامپفر و لونبرگ استدلال می‌کنند. (توحیدی‌فرد، ۱۳۸۱: ۲۸۹)

اساساً بدون همکاری کامل همه شرکای تجاری بالقوه، ایراد صدمه بر صادرات یا واردات یک کشور از طریق تحریم به سختی قابل تحقق می‌باشد. بنابراین بدون یک پشتیبانی نیرومند به ویژه از طرف شرکای تجاری اروپایی و ژاپن، تحریم‌های آمریکا تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر منافع اقتصادی درازمدت ایران نخواهند داشت. از لحاظ تاریخی تحریم‌های اقتصادی تنها در صورتی به نتیجه رسیده‌اند که به صورت جهانی، جامع و مداوم به کار رفته‌اند و از مشروعیت و اعتبار لازم برخوردار بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های یک‌جانبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، که عمدتاً به استناد نقض تعهد یا تخلفی بین‌المللی صورت می‌پذیرد، در صورت نقض قواعد و اصول حقوق بین‌الملل به ویژه نقض حقوق بین‌الملل بشر بنیادین، خود مصداق تخلف بین‌المللی محسوب می‌شود. تحریم‌ها ابزارها و اقداماتی هستند که از دیرباز چه به نحو خصوصی و یا دولتی به عنوان یک ضمانت اجرا در موارد تهدید یا نقض صلح برای وادار کردن دولت‌ها جهت تغییر رفتار خود به کار گرفته می‌شوند. تحریم‌های خصوصی که توسط افراد و گروه‌های خصوصی و ملی سازماندهی می‌شوند، به ندرت مسئولیت بین‌المللی دولت را در پی دارند. تحریم‌های دولتی معمولاً توسط کشورهای نیرومند به عنوان ابزار سیاست خارجی به کار گرفته شده‌اند. هدف از اینگونه تحریم‌ها وادار کردن دولت هدف به تعبیر در

رفتارهای سیاست خارجی شان می باشند. تحریم های چه اولیه باشد و چه ثانویه، به قصد بازدارندگی و متوقف ساختن کشور هدف به دلیل ارتکاب رفتارهای مغایر خواست و اراده کشورهای واضع تحریم صورت می گیرد. گرچه مسئولیت رفع تحریم و پیامدهای آن مستقیماً متوجه دولت های واضع و سازمان ملل و شورای امنیت است؛ ولی در مورد چگونگی اجرای مسئولیت بین المللی ناشی از نقض حقوق بشر در تحریم ها و اینکه چه شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی، حق طرح دعوا دارد و همچنین در مورد مرجع صالح به رسیدگی در این مسئله؛ هنوز مقررات و یا رویه مشخصی وجود ندارد و ضرورت دارد اندیشمندان و دلسوزان حقوق بشر با شهامت وارد میدان شده و با انجام پژوهش ها و ارائه نظریات متقن و مبتنی بر موازین حقوق بین الملل؛ الهام بخش سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر و دولتها و سایر اشخاص حقوقی و حقیقی در این عرصه خطیر باشند. التزام شورای امنیت به رعایت مقررات منشور ناشی از ماده ۲۵ و پایبندی شورای امنیت به حقوق بین الملل عام در اعمال تحریم های اقتصادی مستلزم رعایت سه اصل انسانیت، ضرورت و تناسب می باشد. همچنین شورای امنیت باید به رعایت قواعد آمره در زمینه اعمال تحریم های اقتصادی ملتزم باشد. آنچه در تحریم ها بیشتر مورد توجه است، آسیب پذیری از جامعه هدف، به عبارتی مردم و عمدتاً قشر مستضعف است. شورای امنیت اولاً باید همواره حقوق اساسی بشر را در برنامه های تحریم اقتصادی رعایت نماید و ثانیاً تحریم هایی را که موجب به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی می گردد، وضع نموده و با دولت هایی که در این زمینه اقدام به وضع تحریم می کنند، برابر ضوابط بین المللی برخورد نموده و از دوگانگی و بی تفاوتی بپرهیزد.

منابع

- آل کجباف، حسین و انصاریان، مجتبی (۱۳۹۳). تاثیر تحریم‌های یک جانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان، حقوق پزشکی، ۸(۲۹)، ۵۰-۱۱.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۹). تحریم کارساز نیست، مهرنامه، ۱(۳)، ۱۶-۱۲.
- ایروانی، امیر سعید (۱۳۸۵). تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک. برانلی، یان (۱۳۷۰). منشور ملل متحد و کاربرد زور، ترجمه منیژه اسکندری، سیاست خارجی، ۵(۸)، ۳۵-۵۲.
- ترابی، قاسم (۱۳۸۵). اصلاحات شورای امنیت: زمینه‌ها و موانع، راهبرد، ۱۱(۴۱)، ۳۵۱-۳۷۴.
- توحیدی‌فرد، محمد (۱۳۸۱). ضمانت اجراهای کیفری منشور ملل متحد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- جاوید، احسان (۱۳۹۳). مشروعیت تحریم‌ها در حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۰(۲۲)، ۳۵-۵۴.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۰). دانشنامه جهان اسلام، جلد ششم، چاپ اول، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- حدادی، مهدی (۱۳۹۰). تحول در اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تهران: نشر دادگستر.
- رستم‌زاده، حسینقلی (۱۳۸۵). جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی، حقوقی بین‌المللی، ۹(۳۳)، ۷۱-۹.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و اقتصادی.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۴). حقوق سازمان‌های بین‌المللی؛ شخصیت، مسئولیت، مصونیت، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۷). نشست علمی بررسی ابعاد حقوقی قرار موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- زمانی، سیدقاسم و سادات‌میدانی، سیدحسین (۱۳۸۵). عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران، از ارجاع تا تحریم، پژوهش‌های حقوقی، ۵(۱۰)، ۵۴-۱۵.
- ساعد، نادر (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل معاصر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، تهران: انتشارات خرسندی.
- شهبازی، آرامش (۱۳۹۰). اعتبار عهدنامه مودت (۱۹۵۵) و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا، حقوقی بین‌المللی، ۲۸(۴۴)، ۷۱-۵۵.

- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳). رژیم‌های بین‌المللی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل، ابزار معاصر.
- علیخانی، حسین (۱۳۸۰). تحریم ایران؛ شکست یک سیاست، ترجمه محمد تقی‌نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عمادی، سیدمحسن (۱۳۹۱). تاثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌مندی از حقوق بشر، سیاست خارجی، ۲۶(۱)، ۱۶۲-۱۲۱.
- فلاحی، فاطمه (۱۳۹۵). شکل‌گیری حقوق جهانی سلامت و ملاحظات دولتها. پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه پیام نور مرکز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۶۹). شورای امنیت و صلح جهانی، تحقیقات حقوقی، ۱(۱)، ۴۰-۵۸.
- ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید (۱۳۷۶). تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران. سیاست خارجی، ۱۱(۴۱)، ۹۱-۱۱۰.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.
- ولیزاده، اکبر (۱۳۹۰). رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی، سیاست، ۴۱(۱)، ۳۶۵-۳۴۹.

Rousseau Charles (1979) 25. Droit international public, les relations internationales, Tome IV (Paris: Sirey) 453.

Charnovitz, Steve, (2008) "Mapping the Law of WTO Accession" The 27. WTO: Governance, Dispute Settlement & Developing Countries, Merit. E. Janow, Victoria Donaldson and Alan Yanovich (eds) Juris 29. 29. Publishing, Inc., Forthcoming; GWU Legal Studies Research Paper No. 237; GWU Law School Public Law Research Paper No. 237, 2008, p. 5.

Paul De Waart, "Economic Sanctions Infringing Human Rights: Is There a Limit?." In Economic Sanctions under International Law.